

کاربرد مقصوره در معماری اسلامی مطالعه موردی (مسجد جامع استان قزوین)

فاطمه گرامی پور^۱، مارال امجدی^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد مرمت، گروه مرمت، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

^۲ کارشناس ارشد هنر، گروه هنر، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

مسجد در اسلام مانند کلیسا در مسیحیت، بنایی که منعکس کننده بسیاری از سنت‌های معماری بومی می‌باشد. انعطاف‌پذیری ذاتی، بی‌تفاوتی نسبت به نمای خارجی و تأکیدی متقابل بر داخل، از خصوصیات برجسته‌ی معماری مساجد به شمار می‌رود. در دوران اموی بود که عناصری چون مقصوره به مساجد الحاق شدند. مقصوره به صورت حصار در نزدیکی محراب برای حفاظت از خلیفه و حاکم ساخته می‌شد. در مساجد مقصوره، به فضای جدا شده با پرده یا جداساز گفته می‌شود که برای ادای نماز و یا قرار دادن سایر بخش‌ها تفکیک می‌گردد. اهمیت طاق جعفری یا مقصوره خمارتاش، گذشته از رفعت بنا نفس کتیبه‌های نادر او می‌باشد که این بقعه معظم را در زمره یکی از آثار مهم هنر اسلامی قرار داده است. در این بحث ابتدا نگاهی به مفهوم مقصوره در معماری ایرانی و رابط جهانی شدن و معماری ایرانی-اسلامی می‌پردازیم و سپس به جایگاه مقصوره در معماری ایرانی اسلامی و بطور خاص مسجد جامع قزوین در تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام توجه خواهیم نمود.

واژه‌های کلیدی: معماری مساجد اسلامی، مسجد جامع قزوین، مقصوره خمار تاشی

مقدمه

از آنجایی که "معماری" یکی از مظاهر بیرونی فرهنگ یک جامعه است نماد مناسبی برای مطالعه "فرهنگ" آن جامعه محسوب می‌شود. هر بنایی به عنوان سمبلی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک بینش و تفکر را از طریق شکل ظاهری خود عینیت ببخشد و به این ترتیب برای ارزیابی یک فرهنگ، باز تولیدی خواهد شد؟ لذا در همین راستا به بررسی مقصوره در مسجد جامع قزوین می‌پردازیم و پس از کاوش در همه ابعاد آن را به دنبال عناصر فراملی در موجودیت فرهنگی و هنری این بنا می‌گردیم.

مسجد جامع یا مسجد جامع قزوین از قدیمی ترین مساجد ایران است که تحولات معماری دوره های گوناگون اسلامی را در دوره ای بیش از هزار سال در بر دارد. این مسجد یکی از کامل ترین نمونه های مساجد چهار ایوانی در ایران است که در دوره های مختلفی تاریخی ساخته شده و بیش از ۱۳ قرن معماری ایران را نشان می دهد. از این رو این مسجد را موزه معماری ایران بشمار می آورند. در این مقاله تلاش خواهد شد با "رویکرد زیبا شناختی معماری" به نقش مقصوره در احراز هویت های دینی و نمایندگی فرهنگی و هنری در مسجد جامع قزوین می‌پردازیم.

در این راستا، مقاله به تحلیل مقصوره در یکی از بناهای معماری مسجد جامع قزوین و ویژگی ها و شاخصه های آن می پردازد. (۹)

تفاوت های موجود بین مسجد و مسجد "جامع" ویژگی های هر کدام به خوبی مشخص است شاخصه هایی پایدار که در سراسر جهان اسلامی و در طول زمانی حدودا هزار سال همچنان باقی مانده است. مسجد مکانی بوده صرفا به جهت عبادت اما از آنجایی که در گذشته استفاده های دیگری هم از آن می شد نظیر قضاوت، نگهداری بیت المال، بر پایی اجتماعات بزرگ، بزودی نماد قدرتمند اسلام شد و هم عرصه های دینی و هم قلمروهای دنیوی را در بر گرفت، اما نتوانست پاسخگوی نیازهای مذکور باشد، ساخت مسجد "جامع" بعلت حفظ این دو جنبه بود. فقدان نهادها و بناهای رسمی عمومی نظیر تالار شهر و یا محاکم اسلامی، به نقش دو وجهی مسجد جامع اهمیت بیشتری می بخشد. این تمایز کارکردی، تفاوتی را در منزلت و مقصود مساجد منعکس ساخت و در دو واژه کاملا مجزا رسمیت یافت، یعنی مسجد و جامع علیرغم تمایز آشکار کار کردی بین مسجد و جامع، از لحاظ طرح تفاوتی بین این دو وجود ندارد. "جامع" در واقع عملا ابعاد بزرگتر و تزئینات بیشتری را دارا می باشد. (۱۱)

ویژگی های ساختاری هر مجلس شامل انعطاف ذاتی، بی تفاوتی نسبت به نماد های خارجی، تاکید متقابل بر فضاهای داخلی و گرایش طبیعی به تزئینات کاربردی است. زمانی که از مسجد "جامع" سخن می گوئیم در واقع همان مسجد است با ویژگی هایی مضاف و فراتر از مسجد و وام گرفته شده از معماری دوره بیزانس با ریشه های کلاسیک. (۱۳)

به اعتقاد پیرنیا ایرانیان کهن و هنرمندان آنها باور به تقلید درست داشته اند و آن را بهتر از نوآوری بد می دانستند. تقلید یا برداشتی که منطق داشته باشد و با شرایط زندگی سازگار باشد. از این وجوه خاص که جامع را از مسجد متمایز می کند. می توان به محراب، منبر یا سکوی وعظ، مقصوره یا محصوره، ناو یا راهروی بالا آمده میانه شبستان و گنبد اشاره کرد. ذکر این نکته حائز اهمیت است همه این عناصر در یک بنا با درجه اهمیت برابری باقی نماندند و با همه آنها به یک نحو برخورد نمی شد. (۳)

۲- در داخل مسجد فضای جدا شده با پرده یا جداساز، که برای اداء نماز جدا می شود یا مزاری که در آن قرار دارد را مقصوره می گویند. مقصوره غرفه ماندنی بود محصور که پیش نماز در آن می ایستاد. مقصوره عبارت است از دیواره یا مکانی بسته به دور محراب مسجد برای محافظت از حاکمان اسلامی که پس از کشته شدن سه خلیفه اول، عمر، عثمان، وعلی ساخته شد.

عده ای خلیفه سوم را وعده ای مروان بن حکم خلیفه اموی را نخستین سازنده مقصوره می دانند ولی گمان دیگر آن است که نخستین کسی که در مسجد مقصوره ساخت معاویه بود چون وی را زخمی زدند، و آن جان بدر برد، برای حفاظت از خود مقصوره ساخت.

معاویه در بدعت (به مسجد افزودن) در بسیاری از موارد نخستین بوده است ولی برای این یکی جز عزت و جلال بنای مسجد، بهانه دیگری داشت ۳ خلیفه از خلیفه ۴ پیشین در مسجد و یا در حال عبادت ترور شده بودند. خود او نیز تروری نافرجام را از سوی خوارج تجربه کرده بود. نتیجه اینکه در ظاهر امر دلایل کافی وجود داشت تا آنچه را از همسایگان بیزانسی آموخته بود در پرداخت شاهانه محراب های عبادی به کار بندد و حائلی را بین خود و مامومین قرار دهد. این جایگاه کم کم به عنوان عنصری تشریفاتی بالیده شد و چنان جایگاه یافت که شمار محراب و منبر، یکی از ارکان مسجد اهل سنت در برخی ممالک به شمار می رود.

و منظور از ساخت آن هم چنین رعایت احترام و تجلیل از خلفا و خاصان بوده است. این قسمت فقط در مساجد مهم در شهرهای خیلی بزرگ ساخته شد. اهمیت مقصوره در هنر اسلامی بیشتر بجهت اشکالی تزئینی و آرایشهای ساختمانی آنست. (۹)

مقصوره از نظر شکل عبارت است از یک فضای محور و مربع شکل در درون مسجد که در مجاورت محراب قرار دارد. از مقصوره نمونه های کمتری باقی مانده و متحمل است که این وضعیت بازتابی از ندرت نمونه های آن سده میانه باشد. دیوارهایش می تواند آجری باشد ولی نمونه های مشبک کاری با چوب و فلز آن رایج تر است. (۱۳)

همچنین مقصوره در کتاب فرهنگ فارسی عمید، به عنوان حصارخانه، خانه کوچک، خلوتگاه و جای ایستادن امام در مسجد تعریف شده است و محلی از مسجد که خاص خلیفه یا امام می ساختند که در حال نمازگزاردن در آنجا بایستد و از دسترس بدخواهان به دور باشد. (۸)

در معماری مسجد، گونه های مختلفی از مقصوره ساخته می شده که هر کدام بنا بر نوع کارکرد ویژه اش دارای نام خاصی بوده است. مقصوره امام، مقصوره تابستانی و زمستانی، گنبد خانه، مقصوره موزن و... معماران اسلامی ایران در بین اینها مقصوره را بیشتر به گنبد خانه اطلاق می کرده اند که در مسجدهای ایرانی پیوسته یکی از اندام های مسجد بوده است.

از نمونه بارز اینگونه مقصوره ها (گنبد خانه ها) شبستان کهن مسجد جامع ساوه است که در زمان صفویه محرابی زیبا با گچ تراش رنگین بر آن افزوده شد. اما در متون تاریخی و در معماری مسجد مهم ترین و مشهور ترین مقصوره ها، مقصوره امام یعنی جایی که امام در آن می ایستد بوده که در زیر یک نمونه از مقصوره های زمان صفویه آورده شده است. (۹) همچنین در یونان مقصوره به عنوان اتاق درونی و میانی نیایشگاه ها در معماری کلاسیک روم و یونان درون خانه یا مقصور یونانی یا صلا به رومی گفته می شود.

در دوران باستانی تندیس های آیینی و بت های ویژه مورد احترام آن معبد را درون خانه نگه می داشتند و در درون خانه ها معمولا میز ها یا پاسنگ هایی نیز قرار می دادند تا هدایا و قربانی ها را بر روی آن ها بنهند و سنگ های گرانبها، کلاه خودها، نیزه ها و تندیس های نذری زیادی به اینگونه نیایشگاهها اهداء می شد و درون خانه های بسیاری از پرستشگاه های رومی و یونانی به صورت گنچینه های پر مایه ای در آمده بود. در زیر نمونه ای از اتاق درونی و میانی نیایشگاه های در معماری کلاسیک روم و یونان آورده شده است. (۶)

دلایل وجود مقصوره

۱- نشان از وجود حاکم یا فرمانروا و با اهمیت نشان دادن مقام او

۲- امنیت خلوت عبادت حاکم

۳- ترس از قتل

۴- تمجیدی آشکار از مقام حاکم

بنابراین مقصوره جزئی کاملاً غیر مذهبی در مساجد اولیه اسلامی بشمار می‌رود و ارتباطی کاملاً نزدیک با شکوه و جلال سلطنتی و تشریفات داشت. در دوران بعد مفهوم و کاربرد مقصوره تغییر می‌یابد. قسمت مجزا برای نماز افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنابراین شکل آن دستخوش تغییرات شد و به اتاق بزرگ گنبد دار که محراب می‌پیوست تبدیل شد. مقصوره هم مانند گنبد از جنس‌های متفاوت چوب و سنگ و آجر ساخته می‌شد و در بعضی مواقع متحرک نیز بود. در برخی مواقع مقصوره برای چند منظور ساخته و مورد استفاده قرار می‌گرفت. مقصوره فقط در مساجد بسیار بزرگ، در پایتخت‌ها دیده می‌شود. مقصوره در قیروان به‌صورت حایل چوبی با شکوه و در قرطبه واحدی ساختمانی است که سه دهانه را در مقابل محراب اشغال کرده است. (۴)

مقصوره برای درک شکل‌های تزئینی بیش‌تر اهمیت دارد تا برای فهم مسجد. در معماری مسجد، گونه‌های مختلفی از مقصوره ساخته می‌شده که هر کدام بنابر نوع کارکرد ویژه‌اش دارای نام خاصی بوده است. در زیر یک نمونه از مقصوره آورده شده است. (۲)

تاریخچه مقصوره مسجد قزوین

در سال ۹۲ هجری قدیمی‌ترین بخش باقی مانده از مسجد مقصوره کهن یا طاق هارونی است که به دهلیز ورودی شرقی آن متصل می‌باشد و در همان سال ساخت مسجد بنا شده است. در مسجد مقصوره، به فضای جداشده با پرده یا جداساز گفته می‌شود که برای ادای نماز و یا قرار دادن سایر بخش‌ها تفکیک می‌گردد و می‌توان ببه آن در سال ۵۴۸ هجری قمری، ملک مظفرالدین الب ارغوان بن تعش، سرای کوچک یا خلوت خانه‌ای جداگانه رو به قبله بنا کرده و آن را به برگزاری مجلس تفسیر و حدیث اختصاص داد. در دوره صفویه بیشترین تغییرات بر روی مسجد صورت گرفته و بخش‌های وسیعی از جمله ایوان‌ها، مناره‌ها و رواق‌ها به آن افزوده شد. سه ایوان در شمال، غرب و جنوب مسجد قرار دارند که ساخت آنها به دوران صفویه باز می‌گردد. در دوره شاه طهماسب صفوی، ایوان شمالی و مناره‌های کاشی‌کاری شده به بنای مسجد افزوده شدند و در زمان شاه عباس دوم ایوان جنوبی به ورودی مقصوره خمارتاشی متصل گردد و در نهایت ایوان غربی به دستور شاه سلیمان صفوی در مسجد ساخته شد. ایوان شرقی مسجد جامع مربوط به دوره قاجار می‌باشد و بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری به دستور و هزینه میرزا علی خان اتابک و توسط باقر خان سعد السلطنه فرماندار قزوین ساخته شده است. رواق ایوان جنوبی و سرداب یا شبستان زیر زمینی نیز توسط سعدالسلطنه در ضلع جنوبی مسجد در همان سالها احداث گردید و حاج محمد علی از تجار قزوین در سال ۱۳۲۰ هجری قمری رواقی را در جنوب ایوان غربی بنا نهاد. (۱۳)

اطلاعات مقصوره خمارتاشی مسجد جامع قزوین

مقصوره سرای حصارخانه و محلی که خاص خلیفه یا امام می‌ساختند که در حال نمازگزاردن در آنجا بایستد و از دسترسید خواهان دور می‌باشد و اتاق جعفری یا مقصوره خمارتاشی پشت ایوان جنوبی قرار دارد که کار ساختمان

آن در شوال ۵۰۰ قمری به دستور امیرزاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی آغاز شد و در رجب سال ۵۰۹ پایان یافت. روسازی این گنبد کاشی باجوردی است و توسط سعدالسلطنه انجام شده است. (۱۰)

در وسط دیوار جنوبی مقصوره، محرابی است که از سنگ های مرمر صیقلی و شفاف بنا شده و با کاشی های رنگارنگ زینت یافته است. قطعه مرمری که در وسط محراب است نازک و شفاف است به طوری که تابش آفتاب از آن عبور می کند. هر یک از رواق های اطراف حیاط به نام امام جماعت و پیشنمازی که زمانی در آنجا نماز میکرده است معروف شده است. رواق های شرقی از همه باریک تر و رواق های جنوبی از رواق های دیگر بزرگتر و وسیع تر است.

در بخش شمالی حیاط رواق ها حدود یک متر از کف حیاط بالاتر است ولی در دو طرف شرقی و غربی بیش از نیم متر از کف حیاط ارتفاع ندارد. نمای خارجی رواق های جنوبی از هر طرف چهار تاق نماست و نمای رواق های شرقی و غربی، از هر طرف سه تاق نماست و در ایوان شمالی از هر طرف پنج تاق نما در بین رواق های جنوبی دو صغه موجود است که به یکی به نام تاق هارونی شهرت دارد و بنای آن منسوب به هارون الرشید است. صغه دیگر، تاق احمدیه یا تاق حلاج است. رواقی که در مغرب ایوان جنوبی است و همچنین سرداب یا زیر زمین مسجد را که در تابستان اقامه نماز جماعت و مجلس وعظ در آن منعقد می شد، سعد السلطنه حکمران قزوین به هزینه و دستور علی اصغر خان اتابک در سال آخر سلطنت ناصر الدین شاه بنا کرده است و رواق واقع در جنوب ایوان غربی را حاج محمد علی که یکی از تجار قزوین بوده است، به سال ۱۳۲۰ قمری بنیان گذاشته است. در میان حیاط حوض بزرگی است و میان حوض و ایوان شرقی در حیاط مسجد آبخوره ای است که ده پله باید پائین رفت و تا به قنات خمارتاش رسید. در اینجا آب قنات از وسط آبخوره می گذرد به طرف جنوب شهر می رود و بیرون دروازه شاهزاده حسین آفتابی می شود. (۱) در سمت جنوبی محراب، منبری سنگی دیده می شود و بر فراز آن، گنبد آجری با شکوهی خودنمایی می کند. در دوسوی فضای زیر گنبد دو شبستان دیگر نیز قرار دارد که امروزه آتشکده معروف است. روی دیوار، کتبه های گچبری شده ای قرار دارند که بر روی یکی از آنها سوره مبارکه بقره به صورت برجسته نوشته شده است. و در دو سوی محراب نگاشته شده است.

اهمیت طاق جعفری یا مقصوره خمارتاش، گذشته از رفعت بنا نفس کتیبه های نادر او می باشد که این بقعه معظم را در اعداد یکی از آثار مهم در هنر اسلامی قرار داده است. در این گنبد پنج کتیبه با منتهی ظرافت و قشنگی گچبری شده است که هر یک در ادامه توضیح داده شده است. کتیبه اول به خط ثلث و قلم درشت در هشت ضلع گنبد گچبری شده است. کتیبه دوم به خط کوفی بسیار زیبا که عرض آن در حدود نیم متر با ظرافتی بدیع و اسلوبی گچبری شده است و نمونه ای از شاهکار های هنری زیباست که مانند آن در سراسر ایران معدود است. کتیبه سوم به خط کوفی مارپیچی و از خاور محراب آغاز شده به سمت باختر آن ختم می شود و مشتمل بر سوره بقره از اول تا آخر سوره و خط آن از حیث ظرافت و قشنگی از نوادر صنعت خط محسوب می شود. کتیبه چهارم به خط ثلث نگاشته شده که شرح موقوفات خمارتاش بن عبدالله و مصارف آن را تعیین کرده است. کتیبه پنجم به خط کوفی نوشته شده، در این کتیبه وقف نامه و شرح تقسیم آب قنات خمارتاش به چشم می خورد. (۱۲)

نتیجه گیری

امروز معماری ایرانی یک سبک کاملا شناخته شده در جهان است، از آنجایی که هدف این مقاله بررسی بناهای اسلامی و مقصوره است کار ساده تر خواهد شد، اگر از معماری اسلامی سخن بگوییم چرا که واژه اسلامی ضمن برخورداری از وسعت

کافی، دقیق نیز هست و دارای فرهنگ مستقل و مختص خود می‌باشد. از یک نظر آنچه که شاید تا به امروز از زاویه دید غریبان پنهان مانده ناشی از عدم درک صحیح آنها نسبت به معماری اسلامی و تمایل آن‌ها به بیگانه انگاشتن این معماری است. (۵) مقصوره در مسجد جامع قزوین حلقه اتصال سنت شرق و غرب در کاربردترین شکل ممکن اش است. آنچه که حتی شاید در نگاه اول بر بیننده معلوم نباشد عناصری از معماری است که از هنر روم و بیزانس و مسیحیت وام گرفته شده و چنان شده و چنان با معماری سنتی ایرانی و اسلامی تلفیق شده که آمیزه‌ای بی نقص را پیش روی بیننده خود قرار می‌دهد. ادعای مطالعه حاضری این است که فرایند جهانی شدن مقصوره توانایی ترکیب و امتزاج فرهنگ‌ها را دارد و شالوده و بستر مناسبی برای خاصی‌گرایی‌های فرهنگی بوجود آورد و در همین راستا هر چه روند جهانی شدن سریع‌تر و شدیدتر می‌شود خاص‌گرایی‌های فرهنگی هم متنوع‌تر می‌شوند و در کنار مفاهیم و معانی بومی، از پدیده جهانی شدن نیز برخوردار خواهیم بود. ضمن اینکه اینکه جهانی شدن با باز تولید زمان و مکان، کمرنگ کردن اهمیت مرزهای جغرافیایی و انحلال فضاهای بومی و سنتی، هویت و معنای بومی را دچار ابهام کرده که رفع آن با بازسازی هویت و بازگشت به عناصر و مفاهیم سنتی امکان‌پذیر می‌شود. از اینرو جهانی شدن به معنای از بین رفتن هویت مکان‌های خاص نیست، بلکه فرآیندی مستلزم تغییر و ارتباط است معماری اساساً با عناصر "محلی" رابطه دارد و تجسم هر بنای جهانی باید این شرایط را در نظر گیرد آنچنانکه ورود و استعمال عناصر غیر بومی در مسجد جامع قزوین گواهی این مدعاست که این تلفیق در جهت تبدیل آن به یک بنای جهانی عمل کرده و به بیانی دیگر "ادغام نظام‌های معنایی" به شکلی فاخر در این مسجدمتجلی شده است. حدیث معماری امروز ایران، درک اصالت ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و تمدنی در یک معماری ریشه‌دار و پویاست. معماری که در عصر جهانی شدن و سرعت ارتباطات و تغییر جلوه‌های تمدن بشری در معرض خطراتی چون دوری از اصالت و خویشتن‌یابی و اعتبار قرار گرفته است. لذا با این وجود می‌توان انتظام معماری و سنت را در تاریخ هزار ساله مسجد جامع قزوین یافت که نمونه خوبی برای اثبات این مدعا خواهد بود که ضمن بهرمندی از سبک‌های جهانی و با حفظ ارزش‌های اصیل و سنتی معاری ایرانی می‌توان در جهت ارتقای فرهنگ و هنر بومی عمل کرد.

منابع:

۱. آصف زاده، محمد باقر (۱۳۷۴)، قزوین در گذر هنر قزوین، انتشارات بحر العلوم.
۲. آقامحمدی، عباس، (۱۳۷۷)، سیمای استان قزوین، تهران: نشر طه.
۳. پیرنیا، کریم (۱۳۵۹)، خانه های خدا در ایران زمین، نشر هنر و مردم شماره ۱۴۹.
۴. نیستانی، جواد و رحیمیان باجگیران، فرشاد (۱۳۹۶)، تحول در تکنیک چپیره سازی مقصوره مساجد جامع سلجوقی قزوین و گلپایگان، پنجمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، <https://civilica.com/doc/736058>
۵. حاج سید جواد، کمال (۱۳۷۷)، مساجد ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. زارعی، باب الله (۱۳۷۷)، کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین (معرفی اجمالی خطوط کوفی و کاربرد آنها در گرافیک)، ناشر طبع و نشر.
۷. دبیرسیاقتی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن: از آغاز تا سال ۱۳۲۰ هجری شمسی با فهرست و نقشه‌ها و تصاویر، ناشران حدیث امروز وسازمان میراث فرهنگی کشور.
۸. عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، ناشر موسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۷۶)، مقصوره در مسجد مقاله، همایش بین المللی معماری مسجد، افق آینده؛ دوره اول.
۱۰. گرابار، الگ و حنایی کاشانی، محمدسعید (۱۳۷۳)، مسجد، نمونه هنر دینی در اسلام، فصلنامه هنر، شماره بیست و ششم.
۱۱. محمدی نژاد، مهدی (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته حال آینده آذر ماه، تهران: انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول.
۱۲. نجیب‌اوغلو، گل‌رو (۱۳۸۰)، هندسه و تزیین در معماری اسلامی (طومار توپقاپی)، ناشر روزنه.
۱۳. براند رابرت، هیلن (۱۳۷۶)، پیدایش مساجد سرزمینهای اسلامی در سده های نخستین، مجله ی هنر، دوره اول، شماره ۳۳، صفحه ۴۵۶-۴۴۶.

Application of Maqsurah in Islamic Architecture (Case Study: Qazvin Province Grand Mosque)

Fatemeh Geramipour¹, Maral Amjadi^{2*}

1- Master of Restoration, Department of Restoration, Abhar Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2- Master of Arts, Department of Art, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

As the church in Christianity, the mosque in Islam is a building that replicates numerous traditions of indigenous architecture. Intrinsic flexibility, indifference to the exterior and mutual emphasis on the inside are prominent features of mosque architecture. In the Umayyad era, elements such as Maqsurah were added to mosques. Maqsurah was built as a fence near the altar to protect the caliph and ruler. In mosques, Maqsurah is a space separated by a curtain or a separator, separated for praying or placing other parts. The importance of Jafari Arch or Maqsurah Khomartash, apart from the elevation of the building, is the soul of its rare inscriptions, which have made this great mausoleum one of the most important works of Islamic art. In this discussion, the researchers will first look at the concept of Maqsurah in Iranian architecture and the connection between globalization and Iranian-Islamic architecture, and then pay attention to Maqsurah's position in Iranian Islamic architecture, and in particular, the Qazvin Grand Mosque in the history and culture of Iran and Islam.

Keywords: Architecture of Islamic mosques, Qazvin Grand Mosque, Maqsurah Khomartashi.
